



Analysis of students' lived experiences of educational challenges in the Corona and post Corona

Sadegh Ahmadi¹, Rahmatallah Khosravi²

1. Master of Curriculum Studies, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Corresponding Author). sadegahmadi76@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. khosravi1397@cfu.ac.ir

Abstract

With the spread of the corona virus and the closure of schools, the educational system faced many challenges. As one of the vulnerable groups, secondary school students gained unique experiences from this era. In this regard, the present study investigated educational challenges in the corona and post-corona period based on the lived experiences of students in the academic year 1404-1403 using the qualitative research method of Content analysis. The target group of the research included the second high school students of district 2 of Zanjan city, 24 of them were subjected to a semi-structured interview through purposeful sampling. In order to achieve the validity of the interview questions, the opinions of the professors of the Department of Educational Sciences were used. To ensure the validity of the research data, the themes extracted from the interviews were presented to the interviewees so that after their approval, the analysis could be continued. Finally, the content of the interviews was extracted and classified in the form of six main themes and 19 sub-themes. According to the results of the research, virtual education during the Corona era as well as face-to-face education immediately after the Corona epidemic subsided, students have faced serious challenges. Challenges caused by attending virtual classes during the Corona era (reduced academic progress, reduced physical mobility in the educational environment, lack of proper interaction between students and teachers, etc.), challenges of returning to face-to-face classes after the Corona virus (decrease in self-confidence and weak communication) social, the stress of contracting Corona, etc.) and the challenges related to the special rules and discipline governing the atmosphere of face-to-face education in schools after Corona (difficulty in following the rules of classrooms and face-to-face school, difficulty in using masks and shields and alcohol in school, etc. ..) were among the most important ones that point out the need to review educational policies in order to optimize them for students in different days.

Keywords: lived experiences, educational challenges, corona era, post-corona, secondary school students

Received: 2023/5/23; **Revised:** 2024/8/10; **Accepted:** 2024/9/20; **Published Online:** 2024/9/22

Cite this article: Ahmadi, S. & Khosravi, R. (2024). Determining the relationship between professional growth and organizational credibility with job involvement in teachers of the first secondary level of Mamsani city. *Interdisciplinary Studies in Education*, 3(3), p.5-30. <https://doi.org/10.22034/ISE.2024.17287.1127>



واکاوی تجارب زیسته دانش‌آموزان متوسطه دوم از چالش‌های آموزشی در دوران

کرونا و پساکرونا

صادق احمدی^۱، رحمت‌الله خسروی^۲

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده اول و مسئول) sadeghamdi76@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. khosravi1397@cfu.ac.ir

چکیده:

با شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس، نظام آموزشی با چالش‌های متعددی مواجه شد. دانش‌آموزان متوسطه دوم به‌عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر، تجارب منحصر به فردی از این دوران، به‌دست آوردند؛ در این زمینه، پژوهش حاضر به بررسی چالش‌های آموزشی در دوران کرونا و پساکرونا براساس تجارب زیسته دانش‌آموزان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ با استفاده از روش تحقیق کیفی از نوع تحلیل محتوا پرداخت. گروه هدف پژوهش شامل دانش‌آموزان متوسطه دوم ناحیه ۲ شهرستان زنجان بود که از طریق نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۲۴ نفر از آنان تا رسیدن به اشباع تحت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. جهت دستیابی به روایی سؤال‌های مصاحبه از نظرات استادان گروه علوم تربیتی استفاده شد. برای اطمینان از اعتبار داده‌های پژوهش، مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها، به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد تا پس از تأیید آنها ادامه تحلیل انجام شود؛ در نهایت، درون‌مایه مصاحبه‌ها در قالب شش مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی استخراج و طبقه‌بندی شد. باتوجه به نتایج پژوهش، آموزش مجازی در دوران کرونا و نیز آموزش حضوری بلافاصله بعد از کم‌رنگ‌شدن همه‌گیری کرونا، دانش‌آموزان را با چالش‌های جدی مواجه کرده‌اند. چالش‌های ناشی از حضور در کلاس‌های مجازی در دوران کرونا (کاهش پیشرفت تحصیلی، کاهش تحرک فیزیکی در محیط آموزشی، عدم تعامل مناسب بین دانش‌آموز و معلم و ...)، چالش‌های بازگشت به کلاس حضوری پس از کرونا (کاهش اعتماد به نفس و ضعف در ارتباطات اجتماعی، اضطراب ابتلا به کرونا و ...) و چالش‌های مرتبط با قوانین و انضباط خاص حاکم بر فضای آموزش حضوری در مدرسه پس از کرونا (دشواری قوانین کلاس‌ها و مدرسه حضوری، سختی استفاده از ماسک و محافظ و الکل در مدرسه و ...) از مهم‌ترین آنها بودند که لزوم بازنگری در سیاست‌های آموزشی جهت بهینه‌سازی آنها برای دانش‌آموزان در ایام مختلف را گوشزد می‌کنند.

واژگان کلیدی: پساکرونا، تجارب زیسته، چالش‌های آموزشی، دانش‌آموزان دوره متوسطه، دوران کرونا.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۳؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۳۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۷/۱
استناد به این مقاله: احمدی، صادق؛ خسروی، رحمت‌الله. (۱۴۰۳). واکاوی تجارب زیسته دانش‌آموزان متوسطه دوم از چالش‌های آموزشی در دوران کرونا و پساکرونا. مطالعات بین‌رشته‌ای در آموزش. ۳(۳)، ص ۵-۳۰

<https://doi.org/10.22034/ISE.2024.17287.1127>

مقدمه

پدیدار شدن بیماری کرونا یا کووید-۱۹^۱ در عصر جدید، چالش‌های نوینی برای دستگاه‌های آموزشی ایجاد کرد و آموزش را از حالت سنتی به نوع خاصی از آموزش مبتنی بر فضای مجازی تغییر داد. آموزش مجازی شکلی از آموزش است که ضرورتاً به صورت سنتی و چهره‌به‌چهره انجام نمی‌گیرد و به تناسب گسترش نفوذ فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، اغلب در بستر پلتفرم‌های^۲ آموزش از راه دور انجام می‌شود و این امر تبعاتی مثبت و منفی از حیث ایجاد و انطباق با آن برای سیستم آموزشی در پی داشته است؛ از سوی دیگر، با زایل شدن تدریجی این بیماری درهای مدارس به روی دانش‌آموزانی که کم‌کم به این آموزش‌ها خو گرفته بودند، باز شد و این امر نیز به نوبه خود باعث چالش‌هایی برای سیستم‌های آموزشی شد.

اهمیت این امر زمانی بروز می‌یابد که بدانیم همچنان قسمتی از آموزش به صورت حضوری و بخشی نیز در فضای مجازی دنبال می‌شود و به نوعی سیستم‌های آموزشی با آموزش‌های ترکیبی مواجه هستند که بایستی فارغ از چالش‌های هر دو نوع آموزش، براساس مزیت‌های هر دو آنها طراحی شود؛ در شرایطی که کم بودن هزینه آموزش مجازی تقاضا برای برگزاری دوره‌های مجازی در برنامه‌های آموزشی را افزایش داده است (Sanabria, Chavez & Zermea, 2016)، ادامه استفاده از روش‌های ترکیبی باعث درگیری بسیاری از والدین و ذی‌نفعان و فراگیران در آموزش‌های مجازی و یا ترکیبی شده است؛ درحالی‌که فرهنگ استفاده صحیح از آن به درستی شکل نگرفته است و این امر نیز چالش‌های مسئله را به فراسوی آموزش گسترش داده است و عدم آگاهی و ناآشنایی با فرهنگ صحیح استفاده از آن چالش‌های متعددی را به ویژه برای دانش‌آموزان ایجاد کرده است که این امر در دوره متوسطه به واسطه حضور در سنین بلوغ شکل حادثری به خود گرفته است.

استفاده دانش‌آموزان از گوشی ضرورتاً به مفهوم استفاده صرفاً آموزشی نیست و برخی

از دانش‌آموزان به بهانه درس از غفلت والدین سوء استفاده کرده، تجربیات غیرآموزشی و مضر را نیز برای خود در فضای مجازی رقم می‌زنند. بازی‌های اینترنتی، چت، تماشای فیلم و ... نمونه‌هایی از آن هستند. این امر گهگاه سبب افت تحصیلی و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان نسبت به درس و افزایش اعتیاد به فضای مجازی نیز می‌شود (حاجی‌زاده، عزیزی و کیهان، ۱۴۰۰). با ظهور یک‌باره کرونا تمامی اوامر تعلیم و تربیت به آموزش مجازی روی آوردند؛ به نحوی که همه دست‌اندرکاران، مجریان و محصلان تعلیم و تربیت آموزش را به صورت مجازی دنبال می‌کردند. این درحالی بود که محصلان با نحوه صحیح استفاده از آموزش در فضای مجازی آشنایی کاملی نداشتند و همین امر باعث شکاف و چالش آموزشی گردید و بعدها که مدارس به صورت حضوری تشکیل شد، آموزش در پلتفرم ترکیبی مجازی و حضوری تشکیل شد.

پژوهش‌های مختلفی به بررسی چالش‌های آموزشی در دوران کرونا و پساکرونا پرداخته‌اند. حاجی‌زاده، عزیزی و کیهان (۱۴۰۰) در پژوهشی، چنین نتیجه گرفتند که شیوع کرونا از یک طرف، باعث افزایش مهارت و تجربه آموزشی کلیه ذی‌نفعان شده و از طرف دیگر، آسیب‌های جسمانی و روانی، افت تحصیلی و فرسودگی شغلی را به بار آورده است. جعفری و دیگران (۱۳۹۹)، با استفاده از روش کیفی به تبیین دیدگاه‌ها و تجارب یاددهندگان و یادگیرندگان الکترونیک در رابطه با چالش‌های آموزش‌های مجازی در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد پرداخته‌اند و چهار طبقه اصلی چالش‌ها، شامل امکانات و تجهیزات، کنترل و اداره کلاس، آمادگی و آموزش ناکافی به مدرس و دانشجو و مسائل عاطفی و فرهنگی و یازده زیرطبقه را نشان دادند. ناستی‌زایی (۱۳۸۸) در بررسی ارتباط سلامت عمومی و اعتیاد به اینترنت و آسیب‌های استفاده نادرست از آن، دریافت که سلامت عمومی کاربران معتاد به اینترنت نسبت به کاربران عادی، در معرض خطر بیشتری بود. سبحانی‌نژاد، پورطهماسبی و تاجور (۱۳۸۸) با بررسی چالش‌ها و کارکردهای فرهنگی اجتماعی تلفن همراه و راهکارهای اصلاح آن، نتیجه گرفتند که برخی پیامدهای نامناسب اجتماعی تلفن همراه شامل اعتیاد روانی، تزلزل ارزش‌ها، کاهش تعامل‌های اجتماعی، ظهور تخلف‌های سایبری، بلوتوث و پیامک‌های غیراخلاقی است. مشایخ و برجعلی (۱۳۸۲) با بررسی رابطه احساس تنهایی با نوع استفاده از اینترنت در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی، نشان دادند که بین احساس تنهایی و گفتگوی اینترنتی در بین

دختران دبیرستانی رابطه وجود دارد؛ ولی این رابطه در بین پسران تأیید نشد و البته در مورد استفاده آموزشی از اینترنت گفته شد که در روابط اجتماعی کسانی که از اینترنت استفاده می‌کنند، نقصانی یافت نمی‌شود.

اوسو - فوردجور، کومسون و هانسون^۱ (۲۰۲۰) تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر آموزش در کشور غنا را بررسی کردند و نشان دادند که برخی دانش‌آموزان در دوران تعطیلی مدارس به دلیل شیوع بیماری قادر به مطالعه اثربخش در خانه نیستند، سیستم یادگیری آنلاین چندان مؤثر نبوده است و والدین نیز قادر به کمک در مورد دسترسی به بستر آموزش مناسب آنلاین نبودند و نمی‌توانستند کاملاً بر یادگیری فرزندانشان در خانه نظارت کنند. این پژوهش نشان داد که همه‌گیری، تأثیری منفی بر یادگیری دانش‌آموزان داشته است. پلتفرم‌های یادگیری الکترونیکی نیز به دلیل دسترسی محدود به اینترنت و کمبود دانش فنی این تجهیزات در اکثر دانش‌آموزان، نامناسب گزارش شد. اصلان، اصلان و توزقول دوست^۲ (۲۰۲۳) نیز در پژوهشی نتیجه گرفتند که بر اساس تجارب زیسته دانش‌آموزان، در اثر همه‌گیری کووید ۱۹، برنامه‌های روزمره و ادراکات دانش‌آموزان تغییر کرده و در مواجهه با این تغییرات، احساسات مثبت و منفی را تجربه کرده‌اند و تمایل دارند حمایت اجتماعی دریافت کنند، در فعالیتهای اوقات فراغت شرکت کنند و از راهبردهای مقابله‌ای شخصی برای مدیریت احساسات و افکار منفی ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ استفاده کنند.

در زمینه آسیب‌شناسی فضای مجازی، تحقیقاتی صورت گرفته است؛ ولیکن پژوهشی که به‌طور خاص، به موضوع تجارب زیسته دانش‌آموزان مقطع متوسطه درخصوص چالش‌های آموزشی فضای مجازی در دوران کرونا و پساکرونا پرداخته باشد، در بین مطالعات بررسی شده به چشم نمی‌خورد. از دیگر جنبه‌های پژوهش حاضر این است که تحقیقات انجام شده قبلی تنها به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های آموزشی فارغ از تجارب زیسته پرداخته‌اند؛ ولی پژوهش حاضر، آسیب‌های آموزشی فضای مجازی را بر اساس تجارب زیسته دانش‌آموزان بررسی کرده است. با انجام این پژوهش، چالش‌ها و آسیب‌های آموزشی فضای مجازی در ارتباط با جامعه هدف، به‌طور دقیق‌تر، شناسایی شد و زمینه‌ای

1. Owusu-Fordjour, Koomson & Hanson

2. Aslan, Aslan & Tuzgöl Dost

برای ورود سایر پژوهشگران به ابعاد مختلف مسئله فراهم آمد؛ از این‌رو، در پژوهش پیش‌رو با درک این ضرورت تلاش شده با استفاده از تجارب زیسته دانش‌آموزان، تصویری جامع از آسیب‌های آموزشی فضای مجازی در دوران کرونا و پساکرونا ارائه دهد. در این راستا پرسش کلی پژوهش این است که دانش‌آموزان متوسطه دوم در آموزش فضای مجازی در دوران کرونا و پساکرونا با چه چالش‌ها و آسیب‌هایی روبه‌رو هستند؟

روش پژوهش

بنا به ماهیت موضوع مطالعه، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و تحلیل محتوا انجام شد. هدف پژوهشگر از اجرای طرح تحقیق پدیدارنگاری آن است که درک و فهم افراد از دنیای کاری را مطالعه کند. گروه هدف شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه ناحیه ۲ زنجان بود. نمونه‌گیری از نوع هدفمند و با معرفی تصادفی دانش‌آموز توسط مدیر مدرسه با تأکید بر عدم سوگیری مثبت در معرفی صورت گرفت که درنهایت، (۲۴) نفر (۱۲ پسر و ۱۲ دختر) از ۱۸ مدرسه، تحت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. معیار ورود افراد به مصاحبه، حضور در آموزش‌های دوران کرونا و پساکرونا بود. به‌طور متوسط مدت‌زمان مصاحبه با هر یک از مصاحبه‌شوندگان ۸۰ دقیقه بود و مصاحبه با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان با تضمین گمنامی آنها ضبط شد؛ سپس داده‌ها به‌روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شد. روایی پژوهشی با استفاده از روش بازبینی به‌وسیله استادان علوم تربیتی دانشگاه‌های استان زنجان و مصاحبه‌شوندگان انجام شد. در بازبینی صورت‌گرفته، درباره جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تبادل نظر شد و در بازبینی‌ای که به‌وسیله مصاحبه‌شوندگان انجام شد، متن مصاحبه‌ها، کدگذاری‌ها، مضامین و یافته‌ها در اختیارشان قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا هرگونه اصلاح یا تغییر را اعمال کنند که اکثریت آنها در مورد فرایند کار اتفاق نظر رضایت‌بخش داشتند. پایایی پژوهش نیز با استفاده از کدگذاری متن ۳ مصاحبه توسط ۳ نفر ناشناس که خارج از پژوهش بودند انجام شد؛ بر این اساس، با توافق ۹۰ درصد بین کدگذاران، ثبات نسبی پاسخ‌ها تأیید گردید. یافته‌های پژوهشی در ۳ مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی یا زیرمضمون، مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

در یافته‌های کیفی، برای پاسخ به این پرسش اصلی که دانش‌آموزان متوسطه دوم در

دوران کرونا و پساکرونا با چه چالش‌ها و آسیب‌های آموزشی روبه‌رو هستند، با مرور منظم مصاحبه‌ها و کندوکاو دقیق دیدگاه دانش آموزان درباره آسیب‌های آموزشی در دوران کرونا و پساکرونا، منجر به شناسایی مضامین پایه گردید که پس از بررسی مکرر در قالب مضامین اصلی، مطابق با جدول شماره ۲ طبقه‌بندی گردید. در تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته با مصاحبه‌شوندگان، در مجموع ۱۸۴ کد و با حذف احتساب کدهای تکراری از پاسخ‌ها، ۲۰ کد پایه (اولیه)، استخراج شد. در جدول شماره ۲ چالش‌های ناشی از حضور در کلاس‌های مجازی در دوران شیوع کرونا آورده شده است.

جدول ۲: چالش‌های ناشی از حضور در کلاس‌های مجازی در دوران شیوع کرونا

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه پاسخ‌ها
چالش‌های مرتبط با آموزش و یادگیری	- کاهش رشد و پیشرفت تحصیلی	- درس‌هایم خیلی ضعیف شده بود. در کلاس حضوری زنگ‌تر بودم. - درس‌ها و تکالیفم را با کمک خانواده‌ام انجام می‌دادم و اصلاً یاد نمی‌گرفتم. - نسبت به کلاس حضوری بی‌سوادتر شده بودم این را در خودم احساس می‌کردم.
	- عدم مدیریت صحیح زمان در کلاس‌های مجازی	- وقتی معلم تدریس می‌کرد وقت نمی‌داد تا امتحان را خوب بنویسیم می‌ترسیدند که تقلب کنیم. - چون امکان تقلب و نگاه کردن به کتاب بود وقت کافی نداشتم امتحان را بنویسم باید زود می‌فرستادیم.
	- عدم تعامل مناسب بین دانش‌آموز و معلم	- تنهایی پشت‌گوشی احساس سر کلاس بودن به من دست نمی‌داد انگار دارم فیلم نگاه می‌کنم. - بیشتر معلم حرف می‌زد و ما گوش می‌دادیم انگار فیلم است. اصلاً تعامل نبود. - مثل کلاس حضوری نبود. راحت می‌خوابیدم و کسی مرا نمی‌دید.
	- ضعف بازخورد مناسب از سوی معلم	- معلمان بازخورد و نمرات خوبی نمی‌دادند. انگار بی‌هدف درس می‌خواندم و به نمره اهمیت نمی‌دادم. - مثل کلاس حضوری سعی می‌کردم تکالیفم را خوب انجام بدهم؛ ولی معلم توجه زیادی نداشت و دلسرد می‌شدم. - معلمان نمی‌توانند یا نمی‌دانند چگونه باید بازخورد می‌دادند تا بهتر جذب درس بشویم.
	- جذاب نبودن محتوا	- مطالب برایمان جالب نبود و نمی‌توانستم ۴۵ دقیقه به صوت و صدای معلم گوش بدهم. - انگار درس‌ها با حضوری فرق داشت. اصلاً جالب و خوب نبود.

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه پاسخ‌ها
چالش‌های روان‌شناختی و اجتماعی		- با تدریس مجازی مطالب درس‌ها برایم تازگی نداشت و نمی‌توانستم خوب بخوانم.
	- ضعف در انطباق فضای آموزش مجازی با حضوری	- حس می‌کردم در کلاس مجازی چیزی یاد نمی‌گیرم و باید با کلاس حضوری جبران کنم. - بیشتر به این فکر می‌کردم که هیچی بلد نیستم. نکند معلم بپرسد و بلد نباشم و ضایع بشوم. - درس‌های مجازی را خیلی درس حساب نمی‌کردیم و فکر می‌کردیم که چیزی که یاد می‌گیریم به درد نمی‌خورد.
	- گوشه‌گیری و انزوا	- آن‌قدر با گوشی مشغول می‌شدم که از دنیا بی‌خبر بودم و فقط در خانه بودیم. - با آدم‌ها ارتباط نداشتیم. همه‌اش دوست داشتم با گوشی تنها باشم و با کسی حرف نزنم. - به تنهایی و ماندن در اتاقم عادت کرده بودم.
	- وابستگی کاذب دانش‌آموزان به فضای مجازی	- کند بودن سرعت اینترنت باعث می‌شد ساعات زیادی در اینترنت باشیم. به‌نوعی معتاد به گوشی بودم. - گوشی و اینترنت جزئی از زندگی ما شده بود. بدون گوشی انگار چیزی گم کردیم. - مدرسه شده بود یک گوشی. صبح کلاس بودیم و شب هم تکالیف. عمرم با گوشی می‌گذشت.
	- ایجاد فرصت استفاده نادرست از فضای مجازی به بهانه کلاس	- وسط کلاس می‌زدیم ضبط می‌شد و می‌رفتیم فیلم و عکس داندلود می‌کردیم. - بعد کلاس الکی می‌گفتم کلاس تمرین دارم. درحالی‌که در گوگل و برنامه‌ها چت می‌کردم با دوستانم.
	- کاهش تحرک فیزیکی در محیط آموزشی	- مثل کلاس حضوری نبود. وسط کلاس هم می‌خوردیم و می‌خوابیدیم و خیلی اضافه‌وزن پیدا کردم. - زنگ ورزش نداشتیم و فقط در خانه بودم. تحرک نداشتیم. چاق شده بودم.
	- بروز مشکلات جسمانی	- زیاد گوشی نگاه می‌کردیم که اواخر مجبور شدم از عینک استفاده کنم. - آن‌قدر به گوشی نگاه می‌کردم که گردن درد می‌گرفتم و شب‌ها چشمانم و گردنم اذیت می‌کرد. - خودم سردرد می‌گرفتم و دوستانم هم به همین موضوع اشاره می‌کردند. شب‌ها اذیت می‌شدیم.

براساس نتایج به‌دست آمده، ۳ مضمون اصلی و ۱۱ مضمون فرعی از متن مصاحبه‌ها استخراج شد که در ادامه، به شرح هر یک از مضامین و مصادیق آن در مصاحبه‌ها پرداخته شده است.

۱- چالش‌های مرتبط با آموزش و یادگیری

این مضمون اصلی به چالش‌های آموزشی که دانش‌آموزان در کلاس‌های مجازی با آنها مواجه می‌شوند، اشاره دارد. این چالش‌ها شامل کاهش رشد و پیشرفت تحصیلی، عدم مدیریت صحیح زمان، عدم تعامل مناسب بین دانش‌آموز و معلم، ضعف بازخورد مناسب از سوی معلم، جذاب نبودن محتوا و ضعف در انطباق فضای آموزش مجازی با حضوری می‌شوند.

کاهش رشد و پیشرفت تحصیلی

حضور در کلاس‌های مجازی در دوران شیوع کرونا، منجر به کاهش رشد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شد. این امر به دلیل مشکلاتی مانند دسترسی ناکافی به منابع آموزشی، کیفیت پایین اینترنت و عدم نظارت مستقیم معلمان بر عملکرد دانش‌آموزان بود؛ همچنین، نبود محیط کلاسیک آموزشی و تعاملات چهره‌به‌چهره، فرایند یادگیری را مختل کرده، باعث افت تحصیلی بسیاری از دانش‌آموزان گردید.

مصاحبه‌شونده (۱): «درس‌هایم خیلی ضعیف شده بود. در کلاس حضوری زرنگ‌تر بودم.»

مصاحبه‌شونده (۸): «نسبت به کلاس حضوری بی‌سوادتر شده بودم این را در خودم احساس می‌کردم.»

مصاحبه‌شونده (۱۹): «... درس‌ها و تکالیفم را با کمک خانواده‌ام انجام می‌دادم و چیزی یاد نمی‌گرفتم. برایم راحت شده بود. وقتی معلم تکلیف می‌داد یا با هم‌کلاسی‌هایم قرار می‌داشتیم هرکدام یکی از سؤالات را حل کنیم و در آخر یک‌جا بفرستیم و یا می‌دادم به خواهر بزرگم که دانشجو بود برایم انجام می‌داد.»

عدم مدیریت صحیح زمان در کلاس‌های مجازی

یکی از چالش‌های اصلی کلاس‌های مجازی، عدم مدیریت صحیح زمان بود. دانش‌آموزان با مشکلاتی مانند تأخیر در شروع کلاس‌ها، طولانی شدن جلسات و بی‌نظمی

زمانی مواجه بودند. این امر باعث کاهش بهره‌وری و تمرکز در یادگیری می‌شد و فرایند آموزش را مختل می‌کرد.

مصاحبه‌شونده (۳): «وقتی معلم تدریس می‌کرد، وقت نمی‌داد تا امتحان را خوب بنویسیم. می‌ترسید که تقلب کنیم.»

مصاحبه‌شونده (۱۱): «چون امکان تقلب و نگاه کردن به کتاب بود، وقت کافی نداشتم امتحان را بنویسم. باید زود می‌فرستادم.»

مصاحبه‌شونده (۲۴): «... بعد از کلاس الکی به پدر و مادرم می‌گفتم کلاس یا تمرین دارم؛ درحالی که در گوگل و برنامه‌ها با دوستانم گفتگو می‌کردم یا فیلم و عکس دانلود می‌کردم و برنامه‌های مختلف می‌رفتم. انگار اعتیاد داشتم.»

عدم تعامل مناسب بین دانش‌آموز و معلم

در کلاس‌های مجازی، تعامل مناسب بین دانش‌آموز و معلم به شدت کاهش یافت. مشکلات فنی، کیفیت پایین اینترنت و عدم امکان ارتباط چهره‌به‌چهره، فرصت‌های تعاملی را محدود کرده، مانع ایجاد ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموز می‌شد. این وضعیت می‌توانست به کاهش انگیزه و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری منجر شود.

مصاحبه‌شونده (۲): «تنهایی پشت گوشی احساس در کلاس بودن به من دست نمی‌داد. انگار دارم فیلم نگاه می‌کنم.»

مصاحبه‌شونده (۵): «بیشتر معلم حرف می‌زد و ما گوش می‌دادیم. انگار فیلم بود. اصلاً تعامل نبود.»

مصاحبه‌شونده (۱۳): «مثل کلاس حضوری نبود. راحت می‌خوابیدم و کسی مرا نمی‌دید.»

ضعف بازخورد مناسب از سوی معلم

در کلاس‌های مجازی، بازخوردهای مناسب و به‌موقع، از سوی معلمان، به‌ندرت ارائه می‌شد. این امر به دلیل مشکلات ارتباطی و عدم امکان ارزیابی دقیق عملکرد دانش‌آموزان بود. نبود بازخورد مناسب مانع از شناسایی نقاط ضعف و قوت دانش‌آموزان شده، فرایند یادگیری را مختل می‌کرد.

مصاحبه‌شونده (۱۰): «... مثل کلاس حضوری سعی می‌کردم تکالیفم را خوب انجام بدهم؛ ولی معلم توجه زیادی نداشت و دلسرد می‌شدم و درس برایم بی‌اهمیت شده بود. می‌گفتم بخوانم و نخوانم فرقی نمی‌کند. مثل بقیه بچه‌ها هستم دیگر.»

مصاحبه‌شونده (۷): «معلم‌ان نمی‌توانند یا نمی‌دانند چگونه باید بازخورد بدهند تا بهتر جذب درس بشویم.»

مصاحبه‌شونده (۱۹): «... معلم‌ان بازخورد و نمرات خوبی نمی‌دادند. انگار بی‌هدف درس می‌خواندم و به نمره اهمیت نمی‌دادم.»

جذاب نبودن محتوا

محتوای ارائه شده در کلاس‌های مجازی اغلب جذابیت کافی نداشت و نمی‌توانست توجه دانش‌آموزان را جلب کند. استفاده از روش‌های سنتی تدریس و عدم بهره‌گیری از ابزارهای چندرسانه‌ای و تعاملی، باعث کاهش علاقه و انگیزه دانش‌آموزان برای شرکت در کلاس‌ها می‌شد.

مصاحبه‌شونده (۴): «... مطالب برایم جالب نبود و نمی‌توانستیم ۴۵ دقیقه به‌صوت و صدای معلم گوش بدهیم؛ چون به این شیوه عادت نکرده بودیم و کلاس حضوری واقعی‌تر بود برایم و می‌توانستیم معلم را ببینیم.»

مصاحبه‌شونده (۸): «انگار درس‌ها فرق داشت با حضوری. اصلاً جالب و خوب نبود.»

مصاحبه‌شونده (۱۰): «با تدریس مجازی، مطالب درس‌ها برایم تازگی نداشت و نمی‌توانستم خوب بخونم.»

ضعف در انطباق فضای آموزش مجازی با حضوری

فضای آموزش مجازی نتوانست به‌خوبی با فضای آموزش حضوری انطباق یابد. مشکلاتی مانند عدم امکان اجرای فعالیت‌های عملی و گروهی، نبود نظارت مستقیم و کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره، باعث کاهش کارایی و اثربخشی فرایند آموزشی می‌شدند. این عدم انطباق، می‌توانست به کاهش کیفیت آموزش و افت تحصیلی دانش‌آموزان منجر شود.

مصاحبه‌شونده (۸): «... بیشتر به این فکر می‌کردم که هیچی بلد نیستم. نکند معلم صدایم بزند و سؤال بپرسد از من، بلد نباشم و نتوانم جواب بدهم و ضایع بشوم. بچه‌ها بخندند.»

مصاحبه‌شونده (۱۴): «حس می‌کردم در کلاس مجازی چیزی یاد نمی‌گیرم و باید با کلاس حضوری جبران کنم».

مصاحبه‌شونده (۲۰): «... درس‌های مجازی را خیلی درس حساب نمی‌کردیم و فکر می‌کردیم که چیزی که یاد می‌گیریم به درد نمی‌خورد».

۲- چالش‌های روان‌شناختی و اجتماعی

این مضمون اصلی به چالش‌های روان‌شناختی و اجتماعی که دانش‌آموزان در کلاس‌های مجازی با آنها مواجه می‌شوند، اشاره دارد. این چالش‌ها شامل گوشه‌گیری و انزوا، وابستگی کاذب به فضای مجازی و ایجاد فرصت استفاده نادرست از فضای مجازی به بهانه کلاس می‌شوند.

گوشه‌گیری و انزوا

کلاس‌های مجازی باعث افزایش گوشه‌گیری و انزوا در دانش‌آموزان شدند. با کاهش تعاملات اجتماعی و حضوری، دانش‌آموزان احساس تنهایی و جدایی از همکلاسی‌ها و معلمان خود کردند. این وضعیت می‌توانست به مشکلات روانی مانند افسردگی و اضطراب منجر شود و تأثیرات منفی بر روابط اجتماعی و روان‌شناختی آنان داشته باشد.

مصاحبه‌شونده (۶): «آنقدر با گوشی مشغول می‌شدم، از دنیا بی‌خبر بودم و فقط در خانه بودیم».

مصاحبه‌شونده (۱۲): «... با آدم‌ها ارتباط نداشتیم. همه‌اش دوست داشتم با گوشی تنها باشم و با کسی حرف نزنم. به تنهایی و ماندن در اتاقم عادت کرده بودم. وقتی جمع می‌شدیم یک‌جا، سرم فقط توی گوشی بود و با خودم بودم».

مصاحبه‌شونده (۱۸): «به تنهایی و موندن در اتاقم عادت کرده بودم».

وابستگی کاذب دانش‌آموزان به فضای مجازی

با افزایش استفاده از فضای مجازی برای کلاس‌های درس، دانش‌آموزان به این فضا وابستگی کاذب پیدا کردند. این وابستگی می‌توانست به مشکلاتی مانند کاهش تعاملات اجتماعی حضوری و افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های آنلاین منجر شود.

مصاحبه‌شونده (۴): «کند بودن سرعت اینترنت باعث می‌شد ساعات زیادی در اینترنت باشیم. به نوعی معتاد به گوشی بودم».

مصاحبه‌شونده (۹): «گوشی و اینترنت جزئی از زندگی ما شده بود. بدون گوشی انگار چیزی گم کردیم».

مصاحبه‌شونده (۱۷): «مدرسه شده بود یک گوشی. صبح کلاس بودیم و شب هم تکالیف. عمرم با گوشی می‌گذشت».

ایجاد فرصت استفاده نادرست از فضای مجازی به بهانه کلاس

کلاس‌های مجازی فرصت‌هایی را برای استفاده نادرست از فضای مجازی فراهم می‌کردند. دانش‌آموزان ممکن بود به بهانه شرکت در کلاس‌ها، زمان بیشتری را به فعالیت‌های غیرآموزشی مانند بازی‌های آنلاین و گشت‌وگذار در شبکه‌های اجتماعی اختصاص دهند.

مصاحبه‌شونده (۲): «وسط کلاس می‌زدیم ضبط می‌شد و می‌رفتیم فیلم و عکس دانلود می‌کردیم».

مصاحبه‌شونده (۱۶): «بعد کلاس‌ها الکی می‌گفتم تمرین دارم؛ در حالی که در گوگل و برنامه‌ها با دوستانم گفتگو می‌کردم».

۳- چالش‌های فیزیکی و جسمانی

این مضمون اصلی به چالش‌های جسمانی که دانش‌آموزان در کلاس‌های مجازی با آنها مواجه می‌شوند، اشاره دارد. این چالش‌ها شامل کاهش تحرک فیزیکی در محیط آموزشی و بروز مشکلات جسمانی می‌شوند.

کاهش تحرک فیزیکی در محیط آموزشی

با برگزاری کلاس‌های مجازی، تحرک فیزیکی دانش‌آموزان به شدت کاهش یافت. در محیط خانه، امکان فعالیت‌های بدنی و ورزشی محدود شد و دانش‌آموزان بیشتر وقت خود را به صورت نشسته و بدون حرکت سپری می‌کردند. این کاهش تحرک می‌توانست به مشکلات جسمانی مانند افزایش وزن و کاهش تناسب اندام منجر شود.

مصاحبه‌شونده (۲): «... مثل کلاس حضوری نبود. وسط کلاس هم می‌خوردیم و می‌خوابیدیم و خیلی اضافه‌وزن پیدا کردم؛ معلمان بازخورد و نمرات خوبی نمی‌دادند. انگار بی‌هدف درس می‌خواندم و به نمره اهمیت نمی‌دادم».

مصاحبه‌شونده (۱۱): «زنگ ورزش نداشتیم و فقط در خانه بودم. تحرک نداشتم. چاق شده بودم».

بروز مشکلات جسمانی

حضور طولانی مدت در کلاس‌های مجازی و استفاده مداوم از دستگاه‌های الکترونیکی، می‌توانست به مشکلات جسمانی مانند خستگی چشم، دردهای عضلانی و مشکلات ستون فقرات منجر شود. این مشکلات جسمانی می‌توانستند بر کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارند.

مصاحبه‌شونده (۵): «زیاد گوشی نگاه می‌کردیم که اواخر مجبور شدم از عینک استفاده کنم.»

مصاحبه‌شونده (۱۳): «آن قدر به گوشی نگاه می‌کردم، گردن درد می‌گرفتم و شب‌ها چشمانم و گردنم اذیت می‌کرد.»

مصاحبه‌شونده (۱۹): «خودمم سردرد می‌گرفتم و دوستانم هم به همین موضوع اشاره می‌کردند. شب‌ها اذیت می‌شدیم.»

در جدول شماره ۲ چالش‌های بازگشت به کلاس حضوری پس از کلاس‌های مجازی در دوران کرونا در جدول شماره ۲: چالش‌های بازگشت به کلاس حضوری پس از کلاس‌های مجازی در دوران کرونا

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه پاسخ‌ها
۵ چالش‌های روانشناختی و عاطفی	- کُـاـهـش اعتماد به نفس و ضعف ارتباطات اجتماعی	- احساس می‌کردم چیزی در کلاس‌های مجازی یاد نگرفتم که در کلاس حضوری از آن استفاده کنم. - یک مدت از آدم‌ها دور بودم، الان نمی‌توانم بفهمشان و انگار آنها هم مرا نمی‌فهمند. - مثل قبل نمی‌توانم با آدم‌ها ارتباط بگیرم. برایم سخت شده.
	- اضطراب ابتلا به کرونا	- اضطراب این که هم‌کلاسی‌هایم کرونا داشته باشند و من مبتلا بشوم، باعث می‌شد نتوانم روی آموزش‌های حضوری تمرکز کنم. - اضطراب داشتم که اگر کرونا بگیرم کلاس‌های حضوری را از دست بدهم.
۵ چالش‌های آموزشی و محیطی	- خستگی ذهنی ناشی از عدم انعطاف محیط آموزش حضور در قیاس با مجازی	- چشم‌درچشم شدن با معلم برایمان سخت شده بود و مغزمان کشتش سخنرانی و روش‌های آموزش حضوری را نداشت و زود خسته می‌شدیم و دوست داریم مجازی باشد. - حوصله زمان طولانی کلاس را با لباس و انضباط رسمی نداشتیم و دوست داشتیم مثل کلاس مجازی دراز بکشیم و درس بخوانیم. - زود خسته می‌شدم و نمی‌توانستم راحت بخوانم و چایی بخورم.
	- کاهش اشتیاق به حضور در مدرسه	- به فضای خانه و راحتی‌ای که داشت عادت کرده بودم و دوست نداشتم دوباره بروم به مدرسه. - چون در در ایام مجازی اعضای خانواده‌ام در درس‌ها کمکم می‌کردند، حس حمایت بیشتری داشتم و الان در مدرسه انگار پشتم خالی شده.

مضامین اصلی	مضامین فرعی	نمونه پاسخها
	- افت تدریس معلمان	- انگار معلمان هم روش‌های تدریس حضوری از یادشان رفته و مثل دوره مجازی با ما برخورد می‌کنند و کلی تکلیف می‌خواهند. - معلمان هم انگار مثل ما به خواندن از روی کتاب عادت کرده‌اند و سخنرانی‌های بدون کتابشان در کلاس حضوری مثل مجازی خوب نیست.
	- نبودن فرصت برای هم‌رسانی و تبادل محتوای امتحانی و آموزشی	- دیگر نمی‌توانم مثل خانه راجع به امتحان با بچه‌ها تبادل نظر کنم و از روی کتاب بنویسم و نمی‌دانم چه کار کنم. - دیگر نمی‌توانم جواب‌ها را مثل وقتی که مجازی بودیم کامل و عین کتاب بنویسم.
	- سختی رعایت قوانین کلاس‌ها و مدرسه حضوری	- دوست داشتم مثل خانه آزاد باشم و در کنار درس به کار دیگر هم بپرسم؛ اما نمی‌شد. - دوست داشتم وسط کلاس بخوابم و بزنم کلاس ضبط بشود، بعداً گوش بدم. - عمل به حرف‌های مدیر و ناظم مدرسه واقعا سخت است برایم و انگار مثل سرباز محدود شده‌ام.
	- سختی استفاده از ماسک و محافظ و الکل در مدرسه	- وقتی با ماسک به کلاس می‌رفتم برایم سخت بود و اعصابم خرد می‌شد. - استفاده دانش آموزان از الکل و محافظ اصلاً روی خوشی نداشت و آزارم می‌داد. - فاصله و دور بودن از دوستانم احساس ربات بودن و زندانی بودن به من می‌داد.

براساس نتایج به دست آمده، ۳ مضمون اصلی و ۸ مضمون فرعی از متن مصاحبه‌ها استخراج شد که در ادامه به شرح هر یک از مضامین و مصادیق آن در مصاحبه‌ها پرداخته شده است.

۱- چالش‌های روان‌شناختی و اجتماعی

این مضمون اصلی به چالش‌های روان‌شناختی و اجتماعی‌ای که دانش‌آموزان در دوران پساکرونا با آنها مواجه می‌شوند، اشاره دارد.

کاهش اعتماد به نفس و ضعف در ارتباطات اجتماعی

بازگشت به محیط آموزش حضوری پس از دوران کلاس‌های مجازی، باعث کاهش اعتماد به نفس و ضعف در ارتباطات اجتماعی دانش‌آموزان شده است. این امر می‌تواند به دلیل کاهش تعاملات اجتماعی در دوران کرونا و عدم تطابق با شرایط جدید باشد. دانش‌آموزان ممکن است احساس کنند که مهارت‌های ارتباطی خود را از دست داده‌اند و در برقراری ارتباط با هم‌کلاسی‌ها و معلمان دچار مشکل شوند.

مصاحبه‌شونده (۴): «مثل قبل نمی‌توانم با آدم‌ها ارتباط بگیرم. برایم سخت شده.»

مصاحبه‌شونده (۱۳): «یک مدت از آدم‌ها دور بودم، الان نمی‌توانم بفهمشان و انگار آنها هم مرا نمی‌فهمند.»

مصاحبه‌شونده (۱۷): «احساس می‌کردم چیزی در کلاس‌های مجازی یاد نگرفتم که در کلاس حضوری از آن استفاده کنم.»

اضطراب ابتلا به کرونا

با بازگشت به مدرسه، دانش‌آموزان با اضطراب و نگرانی از ابتلا به کرونا مواجه شده‌اند. این اضطراب می‌تواند بر تمرکز و عملکرد تحصیلی آنان تأثیر منفی بگذارد. نگرانی از سلامتی خود و خانواده می‌تواند باعث افزایش اضطراب و کاهش کیفیت زندگی روزمره شود.

مصاحبه‌شونده (۳): «اضطراب داشتم که اگر کرونا بگیرم کلاس‌های حضوری را از دست بدهم.»

مصاحبه‌شونده (۵): «اضطراب این که همکلاسی‌هایم کرونا داشته باشند و من مبتلا بشوم، باعث می‌شد نتوانم روی آموزش‌های حضوری تمرکز کنم.»

۲- چالش‌های آموزشی و محیطی

این مضمون به چالش‌های آموزشی و محیطی که دانش‌آموزان در دورهٔ پساکرونا با آن مواجه هستند، می‌پردازد که عبارتند از خستگی ذهنی دانش‌آموزان از عدم انعطاف‌پذیری محیط آموزش حضوری، در مقایسه با مجازی، کاهش اشتیاق دانش‌آموزان به حضور در مدرسه و همچنین افت کیفیت تدریس معلمان.

خستگی ذهنی دانش‌آموزان ناشی از انعطاف‌پذیری کمتر محیط آموزش حضوری

بازگشت به محیط آموزش حضوری با انعطاف‌پذیری کمتر نسبت به کلاس‌های مجازی، باعث خستگی ذهنی دانش‌آموزان شده است. در کلاس‌های مجازی، دانش‌آموزان امکان مدیریت زمان و محیط یادگیری خود را داشتند؛ اما در محیط حضوری، این انعطاف‌پذیری کاهش یافته و باعث افزایش فشار و خستگی ذهنی می‌شود.

مصاحبه‌شونده (۲۱): «چشم‌درچشم شدن با معلم برایمان سخت شده بود و مغزمان ککش سخنرانی و روش‌های آموزش حضوری را نداشت و زود خسته می‌شدیم و دوست داریم مجازی باشد.»

مصاحبه‌شونده (۲۲): «حوصله زمان طولانی کلاس را با لباس و انضباط رسمی نداشتیم و دوست داشتیم مثل کلاس مجازی دراز بکشیم و درس بخوانیم.»

مصاحبه‌شونده (۲۳): «زود خسته می‌شدم و نمی‌توانستم راحت بخوانم و چایی بخورم.»

کاهش اشتیاق دانش‌آموزان نسبت به حضور در مدرسه

پس از دوران کلاس‌های مجازی، بسیاری از دانش‌آموزان اشتیاق کمتری برای حضور در مدرسه دارند. این کاهش اشتیاق می‌تواند به دلیل تجربه‌های ناخوشایند دوران کرونا، تغییر در روش‌های آموزشی و یا نگرانی‌های بهداشتی باشد. این وضعیت می‌تواند بر انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد.

مصاحبه‌شونده (۴): «به فضای خانه و راحتی‌ای که داشت، عادت کرده بودم و دوست نداشتم دوباره به مدرسه بروم.»

مصاحبه‌شونده (۲۰): «چون در ایام مجازی، اعضای خانواده‌ام در درس‌ها کمک می‌کردند، حس حمایت بیشتری داشتم و الان در مدرسه انگار پشتم خالی شده.»

افت کیفیت تدریس معلمان

در دورهٔ پساکرونا، برخی معلمان نیز با چالش‌های آموزشی مواجه شده‌اند که منجر به افت کیفیت تدریس شده است. این افت می‌تواند به دلیل عدم تطابق با روش‌های جدید آموزش، مشکلات روان‌شناختی ناشی از دوران کرونا و یا کمبود منابع آموزشی باشد. این وضعیت می‌تواند بر فرایند یادگیری دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد.

مصاحبه‌شونده (۷): «انگار معلمان هم روش‌های تدریس حضوری از یادشان رفته و مثل دورهٔ مجازی با ما برخورد می‌کنند و کلی تکلیف می‌خواهند.»

مصاحبه‌شونده (۱۶): «معلمان هم انگار مثل ما به خواندن از روی کتاب عادت کرده‌اند و سخنرانی‌های بدون کتابشان در کلاس حضوری مثل مجازی خوب نیست.»

۳- چالش‌های مرتبط با قوانین و انضباط در فضای آموزشی

این مضمون به بررسی مشکلات و چالش‌هایی که دانش‌آموزان در مواجهه با قوانین و انضباط خاص حاکم بر فضای آموزشی با آن مواجه هستند، می‌پردازد. این چالش‌ها می‌تواند بر فرایند یادگیری و تجربه‌های آموزشی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارند.

نبود فرصت برای همرسانی و تبادل محتوای امتحانی و آموزشی

یکی از چالش‌های مهم در فضای آموزشی، نبود فرصت کافی برای هم‌رسانی و تبادل محتوای امتحانی و آموزشی بین دانش‌آموزان است. این موضوع می‌تواند به دلیل قوانین سخت‌گیرانهٔ مدرسه درخصوص تبادل اطلاعات و یا محدودیت‌های زمانی و فضایی باشد. نبود این فرصت‌ها می‌تواند مانع از یادگیری مشارکتی و تقویت همکاری بین دانش‌آموزان شود و در نتیجه، کیفیت یادگیری را کاهش دهد. دانش‌آموزان ممکن است نتوانند از تجربیات و دانش یکدیگر بهره‌مند شوند و این امر می‌تواند به کاهش انگیزه و بهره‌وری تحصیلی منجر شود.

مصاحبه‌شونده (۱۵): «دیگر نمی‌توانم جواب‌ها را مثل وقتی که مجازی بودیم کامل و عین کتاب بنویسم.»

مصاحبه‌شونده (۱۸): «دیگر نمی‌توانم مثل خانه راجع به امتحان با بچه‌ها تبادل نظر کنم و از روی کتاب بنویسم و نمی‌دانم چه کار کنم.»

سختی رعایت قوانین کلاس‌ها و مدرسهٔ حضوری

رعایت قوانین و مقررات کلاس‌ها و مدرسهٔ حضوری می‌تواند برای برخی دانش‌آموزان چالش‌برانگیز باشد. این قوانین ممکن است شامل مقررات سخت‌گیرانه در مورد پوشش، رفتار در کلاس، زمان‌بندی دقیق و سایر قوانین انضباطی باشد. سختی رعایت این قوانین می‌تواند باعث افزایش اضطراب و نگرانی در دانش‌آموزان شود و تمرکز آنان را بر روی یادگیری کاهش دهد؛ همچنین، این قوانین ممکن است انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخگویی به نیازهای فردی دانش‌آموزان را نداشته باشند و در نتیجه، محیط یادگیری را برای آنان نامساعد کنند. این وضعیت می‌تواند به کاهش رضایت و انگیزهٔ دانش‌آموزان از حضور در مدرسه و کلاس‌ها منجر شود.

مصاحبه‌شونده (۱): «دوست داشتم مثل خانه آزاد باشم و در کنار درس به کار دیگر هم برسم؛ اما نمی‌شد.»

مصاحبه‌شونده (۹): «عمل به حرف‌های مدیر و ناظم مدرسه واقعا سخت است برایم و انگار مثل سرباز محدود شده‌ام.»

مصاحبه‌شونده (۱۴): «دوست داشتم وسط کلاس بخوابم و بزنم کلاس ضبط بشود بعداً گوش بدهم.»

سختی استفاده از ماسک و محافظ و الکل در مدرسه

استفاده از ماسک بعد از کرونا برای دانش‌آموزان کاری دشوار است که باید به سختی آن را تحمل کنند.

مصاحبه‌شونده (۳): «فاصله و دور بودن از دوستانم احساس ربات بودن و زندانی بودن به من می‌داد.»

مصاحبه‌شونده (۲۳): «وقتی با ماسک به کلاس می‌رفتم، برایم سخت بود و اعصابم خرد می‌شد.»

مصاحبه‌شونده (۱۱): «... استفاده دانش‌آموزان از الکل و محافظ اصلاً روی خوشی نداشت و آزارم می‌داد.»

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، فهم تجارب زیسته دانش‌آموزان متوسطه دوم از چالش‌های آموزشی فضای مجازی در دوران کرونا و حضوری شدن مجدد مدارس، پس از آموزش مجازی در دوران شیوع بیماری کرونا بود و اهمیت آن در گزارش یونسکو محرز می‌گردد، که اشاره می‌کند بیش از یک‌ونیم میلیارد دانش‌آموز و دانشجو تحت تأثیر کرونا قرار گرفتند و سیستم آموزش آنها تغییر کرده است.

یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که هم مجازی شدن آموزش‌ها و هم حضوری شدن مدارس آن دانش‌آموزان را با چالش‌هایی روبه‌رو نموده است. آنچه به‌عنوان چالش شناسایی شد، در ۶ مضمون اصلی و ۱۹ زیرمضمون طبقه‌بندی شد. چالش‌های کلاس درس در دوران شیوع بیماری کرونا شامل چالش‌هایی است که دانش‌آموزان متوسطه دوم با مجازی شدن کلاس‌ها تجربه کردند و براساس تجربه افراد شرکت‌کننده، این چالش‌ها عبارتند از کاهش رشد و پیشرفت تحصیلی، گوشه‌گیری و انزوا، کاهش تحرک فیزیکی در محیط آموزشی، عدم مدیریت صحیح زمان در کلاس‌ای مجازی، عدم تعامل مناسب بین دانش‌آموز و معلم، بروز مشکلات جسمانی، ضعف معلم در بازخورد مناسب، جذاب نبودن محتوا، وابستگی کاذب دانش‌آموزان به فضای مجازی، ایجاد فرصت

استفاده نادرست از فضای مجازی به بهانه کلاس و دشواری انطباق فضای آموزش مجازی با حضوری.

همسو با نتایج پژوهش حاضر، ناستی‌زایی (۱۳۸۸) در بررسی ارتباط سلامت عمومی با اعتیاد به اینترنت و آسیب‌های استفاده نادرست از آن، دریافت که سلامت عمومی کاربران معتاد به اینترنت نسبت به کاربران عادی، در معرض خطر بیشتری بود. سبجانی‌نژاد، پورطهماسبی و تاجور (۱۳۸۸) با بررسی چالش‌ها و کارکردهای فرهنگی اجتماعی تلفن همراه و راهکارهای اصلاح آن، نتیجه گرفتند که برخی پیامدهای نامناسب اجتماعی تلفن همراه شامل اعتیاد روانی، تزلزل ارزش‌ها، کاهش تعامل‌های اجتماعی، ظهور تخلف‌های سایبری، محتوا و پیامک‌های غیراخلاقی است. مشایخ و برجعلی (۱۳۸۲)، نشان دادند که بین احساس تنهایی و گفتگوی اینترنتی در دختران دبیرستانی رابطه وجود دارد؛ ولی این رابطه در پسران تأیید نشد و البته در مورد استفاده آموزشی از اینترنت، گفته شده که در روابط اجتماعی کسانی که از اینترنت استفاده می‌کنند، ضعفی یافت نمی‌شود.

همچنین این یافته با نظر بابایی (۱۴۰۰) و دانگ^۱ (۲۰۲۰) مطابقت دارد؛ این در حالی است که اینلی و آرماتاس^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش‌های خود، اذعان داشتند که آموزش مجازی عملکرد یادگیری دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد؛ علاوه بر آن، در آموزش مجازی، کلاس درس در فضای مجازی تشکیل می‌شود و تعامل دانش‌آموزان با همدیگر و با معلم به کمترین حد می‌رسد که این یافته همسو با پژوهش حیدری (۱۳۹۹) است؛ همچنین پرسش و پاسخ و ارزشیابی آموزشی مانند آموزش حضوری نیست و دانش‌آموز در فضای واقعی کلاس قرار نمی‌گیرد.

یکی دیگر از مشکلات مربوط به این حوزه، دشواری در ارزیابی صحیح و بازخورد دانش واقعی و میزان یادگیری دانش‌آموزان است. برخی ویژگی‌های آزمون‌های آنلاین، روی آوردن برخی دانش‌آموزان به تقلب و همرسانی و حتی گاه امتحان دادن والدین به جای فرزندانشان، ارزیابی صحیح را با مشکل روبرو کرد. بزی^۳ (۲۰۱۱) هم در پژوهش خود، به چالش ارزیابی و بازخورد مناسب در آموزش مجازی اشاره کرده است.

1. Dung

2. Inley & Armatas

3. Bazi

عباسی، حجازی و حکیم‌زاده (۱۳۹۹) نیز در بررسی چالش‌ها و فرصت‌های برنامه‌شاد، بیان داشتند که از جمله چالش‌های فضای مجازی، بی‌انگیزگی دانش‌آموزان و وابستگی آنها به اینترنت است. محمدی و دیگران (۱۳۹۹) نیز در پژوهش خود، نشان دادند که یکی از چالش‌های آموزش مجازی در دوران کرونا بی‌انگیزگی دانش‌آموزان و افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد؛ در تبیین این یافته، می‌توان گفت آموزش مجازی با وجود محدودیت و معایب زیاد، از نظر دانش‌آموزان و معریان، محیط یادگیری را جذاب می‌کند و باعث جذب فراگیران به آموزش می‌شود و دانش‌آموزانی که برای تحصیل انگیزه دارند، پیشرفت تحصیلی بیشتری دارند و دانش‌آموزان بی‌انگیزه و مقاوم در این شیوه زمینه شکست خود را فراهم می‌کنند و زمانی می‌توان از چالش‌های آموزش مجازی به سلامت عبور کرد که همه افراد دخیل در آموزش از جمله دانش‌آموزان، در امر تدریس همکاری و مساعدت داشته باشند. آگراول و دیگران^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی، چنین نتیجه گرفتند که اکثر دانش‌آموزان یادگیری ترکیبی را به یادگیری آنلاین یا یادگیری حضوری به‌تنهایی ترجیح می‌دهند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روش‌های جدید و مجازی آموزش که با ورود کرونا به کار گرفته شدند، دارای مزایایی چون افزایش دسترسی و افزایش تعامل هستند.

پرسش حائز اهمیت این است که آیا پس از دوران همه‌گیری کرونا، چالش‌های جدیدی برای دانش‌آموزان ایجاد خواهد شد یا چالش‌های گذشته بروز می‌کند. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که دانش‌آموزان پس از کرونا هم با چالش‌هایی روبه‌رو شدند که عبارتند از کاهش اعتمادبه‌نفس و ضعف در ارتباطات اجتماعی، اضطراب ابتلا به کرونا، خستگی ذهنی ناشی از عدم انعطاف محیط آموزش حضوری در قیاس با مجازی، کاهش اشتیاق به حضور در مدرسه و افت سطح کیفیت تدریس معلمان. تحقیقات نشان داده که محصلان و دانش‌آموزان با بازگشت به محل تحصیل خود، با افزایش اضطراب مواجه بوده‌اند و همچنین مهارت‌های ارتباطی آنها نیز کاهش یافته است.

براساس نتایج پژوهش حاضر، دانش‌آموزان با تغییر سبک تحصیلی از مجازی به حضوری نیز با چالش‌هایی روبه‌رو شدند؛ به‌طوری که دانش‌آموزان قبل از کرونا با مسائلی مثل طولانی نشستن سر کلاس و رعایت قوانین کلاس و ... مشکلی نداشتند؛ اما در حال حاضر با چالش روبه‌رو شدند.

با توجه به همسو بودن پژوهش‌های انجام‌شده با پژوهش حاضر، از آنجایی که یادگیری بعضی دروس به صورت حضوری بهتر است، آموزش مجازی در دوران کرونا باعث شده است که تعامل بین معلم و دانش‌آموز کم شود و دانش‌آموز درس را به صورت عمیق یاد نگیرد؛ به عبارتی دیگر، با مجازی شدن آموزش‌ها، تعاملات چهره‌به‌چهره با معلم حذف شد و کیفیت آموزش کاهش یافت؛ بنابراین این امر ممکن است موجب عدم اشتیاق به مدرسه و بروز ضعف در یادگیری دروس شود.

از جمله چالش‌های معلمان در دوران کرونا، عدم کنترل وضعیت قلب دانش‌آموزان در آزمون‌ها بود. در دوران پساکرونا با حضوری شدن مدارس، دانش‌آموزان با چالش‌های جدیدی از جمله ضعف در درس‌ها و نبود امکان قلب همراه بودند.

از نتایج این پژوهش می‌توان در جهت شناخت مشکلات آموزش مجازی در شرایط مختلف، مانند شیوع بیماری کرونا و تغییر سبک آموزش مجازی به حضوری استفاده کرد. با شناخت چالش‌های دانش‌آموزان در برابر کرونا و دوران عبور از آن به‌سوی حضوری شدن می‌توان برنامه‌ریزی‌ای در جهت بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان داشت. با شناخت دقیق چالش‌های دانش‌آموزان در دوره کرونا و دوران حضوری شدن مدارس می‌توان در جهت پیشگیری و کاهش مشکلات اقدام کرد و معلمان، مشاوران و مدیران مدارس با شناخت وضعیت دانش‌آموزان مدرسه خود، می‌توانند فرصت و حمایت کافی را فراهم سازند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: این پژوهش براساس تجارب زیسته دانش‌آموزان است که ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند حافظه، انگیزه و سوگیری‌های شخصی قرار گرفته باشد. این پژوهش تنها بر روی تجارب زیسته دانش‌آموزان در دوران کرونا و پساکرونا متمرکز شده است و ممکن است نتایجی که به دست می‌آید، به سایر دوره‌های زمانی قابل تعمیم نباشد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

تجهیز مدارس به ابزار فناوری لازم برای برگزاری کلاس‌های مجازی و فراهم کردن امکانات لازم برای دانش‌آموزان.

آموزش معلمان برای استفاده از فناوری و روش‌های آموزشی مجازی به‌منظور بهبود تعامل بین دانش‌آموز و معلم.

توسعه برنامه‌های ورزشی و فعالیت‌های فیزیکی برای دانش‌آموزان در دوران کرونا به‌منظور جلوگیری از کاهش تحرک فیزیکی.

توسعه برنامه‌های بازگشت به مدرسه برای دانش‌آموزان پس از کرونا به‌منظور کاهش اضطراب و نگرانی.

آموزش مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان به‌منظور بهبود ارتباطات اجتماعی و اعتماد به نفس.

توسعه برنامه‌های مشاوره برای دانش‌آموزان به‌منظور کمک به آنها در مقابله با چالش‌های بازگشت به مدرسه.

تجهیز مدارس به ابزار بهداشتی لازم برای جلوگیری از ابتلا به کرونا.

توسعه برنامه‌های آموزش بهداشت برای دانش‌آموزان به‌منظور آگاه کردن آنها از قوانین و انضباط خاص حاکم بر فضای آموزش حضوری.

آموزش معلمان برای استفاده از تجهیزات بهداشتی و رعایت قوانین و انضباط خاص حاکم بر فضای آموزش حضوری.

توسعه برنامه‌های نظارت برای اطمینان از رعایت قوانین و انضباط خاص حاکم بر فضای آموزش حضوری در مدارس.

منابع و مآخذ

- بابایی، محمد. (۱۴۰۰). **مقدمه‌ای بر یادگیری الکترونیکی**. تهران: چاپار.
- جعفری، حسن؛ کشمیری، فاطمه؛ دره‌شیری، سمیه؛ عبقری، سیدکاظم و باقیان، نجمه. (۱۳۹۹). «تبیین دیدگاه‌ها و تجارب یاددهندگان و یادگیرندگان الکترونیک در رابطه با چالش‌های آموزش‌های مجازی در دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد». مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد. ۱۵ (۲): ۱۱۶-۱۲۸.
- حاجی‌زاده، انور؛ عزیزی، قادر و کیهان، جواد. (۱۴۰۰). «تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی در دوران کرونا: رهیافت توسعه آموزش مجازی در پساکرونا». **تدریس پژوهی**. ۹ (۱): ۱۷۴-۲۰۴.
- حیدری، مرتضی. (۱۳۹۹). «ضرورت مدیریت دانش در بحران کروناویروس جدید (کووید-۱۹)». **تصویر سلامت**. ۱۱ (۲): ۹۴-۹۷.
- سبحانی‌نژاد، مهدی؛ پورطهماسبی، سیاوش و تاجور، آذر. (۱۳۸۸). «چالش‌ها و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی تلفن همراه و راهکارهای اصلاح آن». **مهندسی فرهنگی**. ۳۱ و ۳۲: ۱-۱۱.
- عباسی، فهیمه؛ حجازی، الهه و حکیم‌زاده، رضوان. (۱۳۹۹). «تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی، از فرصت‌ها و چالش‌های تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد)؛ یک مطالعه پدیدارشناسی». **تدریس پژوهی**. ۸ (۳): ۱-۲۴.
- محمدی، مهدی؛ کشاورزی، فهیمه؛ ناصری جهرمی، رضا؛ ناصری جهرمی، راحیل؛ حسام‌پور، زهرا و میرغفاری، فاطمه. (۱۳۹۹). «واکاوی تجارب والدین دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی از چالش‌های آموزش مجازی با شبکه‌های اجتماعی، در زمان شیوع ویروس کرونا». **پژوهش‌های تربیتی**. ۷ (۴۰): ۷۴-۱۰۱.
- مشایخ، مریم و برجعلی، احمد. (۱۳۸۲). «بررسی رابطه احساس تنهایی با نوع استفاده از اینترنت در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی». **تازه‌های علوم شناختی**. ۵ (۱): ۳۹-۴۴.
- ناستی‌زایی، ناصر. (۱۳۸۸). «بررسی ارتباط سلامت عمومی با اعتیاد به اینترنت». **تحقیقات علوم پزشکی زاهدان (طبيب شرق)**. ۱ (۱۱): ۶۳-۵۷.
- Agarwal, A.; Subramaniam, G.; Khattak, O.; Begum, G.; Taha, A.; Bayomy, N. A.; ... & Chaudhary, F. A. (2023). "Navigating post COVID-19 education: an investigative study on students' attitude and perception of their new normal learning environment". *PeerJ*. 11. e16184.
- Ainley, M. & Armatas, C. (2006). "Motivational perspectives on students' responses to learning in virtual learning environments". *The international handbook of virtual learning environments*, 365-94.

- Aslan, H.; Aslan, A. M. & Tuzgöl Dost, M. (2023). "COVID-19 pandemic experiences of secondary school students in Turkey". *Current Psychology*. 42 (20): 17244-17259.
- Bazi, N. (2011). *Investigating the fields of establishing the virtual education system at the middle level of education in Zahedan city*. Zahedan: University of Sistan and Baluchestan.
- Dung, D. T. H. (2020). "The advantages and disadvantages of virtual learning". *IOSR Journal of Research & Method in Education*. 10(3): 45-8.
- Owusu-Fordjour, C.; Koomson, C. K. & Hanson, D. (2020). "The impact of Covid-19 on learning-the perspective of the Ghanaian student". *Education Studies*. 1(1):1-14
- Sanabria, O. B.; Chavez, M. P. & Zermeñ M. G. m. (2016). "Virtual educational model for remote communities in Chocó, Colombia". *Education and Development using ICT*. 12 (2):195-205.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی